

KAFISHOT

كافشات





حسین
کریمزاده

مدیر وبسایت
@hosseinkarimzadeh.art



انوشه
صادقی آزاد

طراح گرافیک
@anooshehsa



حسن
کریمزاده

مدیر هنری
@hassanland



نادر
داودی

سرمدبیر
@naderdavoodi



IMAGE MATTERS

ART | FOOD | LIFE | STYLE

برای دسترسی به شماره‌های قبلی کافشات
وارد سایت نشریه شده و از طریق زبانه‌ی «منو»، «پستو» را انتخاب کنید.

مطالب خود را به صفحه‌ی اینستاگرام کافشات پیشنهاد بدهید.
نوشته‌ی شما نباید بیشتر از ۱۵۰ کلمه باشد.

با تشکر از
افشین معاریان، هومن حمدان، محمد و مهدی حاجی‌خانی و مینا هاشمی

03

عکس قدیمی

31

6

سرمقاله

فیلم و سریال

33

7

زن و زندگی

موسیقی

36

10

گزارش جلد

خاطره نویسی

39

12

سبک زندگی

تهرانگردی

49

17

فرمول یک

سلبریتی ها

52

21

تاریخچه

داستان

57

25

معرفی هنرمند

G





KITCHEN ROSE
isn't a product, It's a Lifestyle

Instagram icon
[@kitchenrose.co](https://www.instagram.com/kitchenrose.co)

برنده‌های مسابقه‌ی کیچن رُز



زندگی کوتاه‌تر از آن است که...

جمله‌ی بالا را تکمیل کنید و جایزه بگیرید



مهربان نباشیم، عشق نورزیم

سوزان قائمی‌زاده



جمله‌ی بالا را تکمیل کنم
و جایزه بگیرم!

هدیه طباب



منتظر باشی گوشیات
صد درصد شارژ بشه

مهرداد سراج



شورای سردبیری کافیشات این سه جواب را
از میان جواب‌های رسیده
مستحق دریافت بسته‌ی
محصولات کیچن رز
به ارزش یک میلیون تومان
تشخیص داد.

جامعه‌ی کوتاه‌مدت

نادر داودی

 naderdavoodi

کافی‌شات به ایستگاه سوم رسید. خوب است بدانید که من با حسن و انوشه تفاهم کرده‌ایم که این نشریه، عمر ۵ ساله داشته باشد. از آن‌جا که ایران به جامعه‌ی کوتاه‌مدت معروف است، شاید ما که در بخش‌های فرهنگی و هنری این جامعه فعالیت می‌کنیم هم باید پیش از اقدام دولت‌ها یا نهادهای نظارتی برای خود یک عمر مفید تعریف کنیم و زودتر از موعد، عطای هر کاری را به لقایش ببخشیم. بر این اساس حداکثر طول عمر ما که به هر جان‌کدنی به آن وفادار خواهیم ماند، پنج سال است. بیشتر از آن را در سال ۱۴۰۸ تصمیم خواهیم گرفت. آن‌جا که اگر باشیم به نتایج جدید تحولات این جامعه‌ی کوتاه‌مدت هم دل خوش خواهیم کرد.

بانوان در کافه‌ها

آرش رهسپار

📷 [book_dr.rahsepar](https://www.instagram.com/book_dr.rahsepar)



انسان‌ها به عنوان پستاندارانی اجتماعی، از همان زمان که شکارچی-جستجوگر غذا بودند، دورهم‌نشینی و ارتباط کلامی و اشتراک غذایی داشته‌اند. دور آتش جمع می‌شدند و تبادل شایعات و اشتراک داشته‌ها و دانسته‌ها و خوراکی‌ها را می‌کردند.





در انقلاب کبیر فرانسه نقش این محل‌ها که دیگر کافی‌شاپ خوانده می‌شد، در تحول اجتماعی زمینه‌ساز تحول سیاسی مدرنیته شد. در ایران هم از قرن ۱۵ میلادی تا به حال کافه‌ها محلی برای حضور در جمع به بهانه‌ی خوردن و نوشیدن به همراه تبادل افکار و اشتراک احوال بوده و هست. اما در گذر زمان این جمع صرفاً مردانه به مکانی برای زنان و مردان تبدیل شده. این حاصل افزایش توان اقتصادی و تحصیلات عالی و استقلال تصمیم‌گیری و نقش پررنگ اجتماعی بانوان در عصر حاضر است.

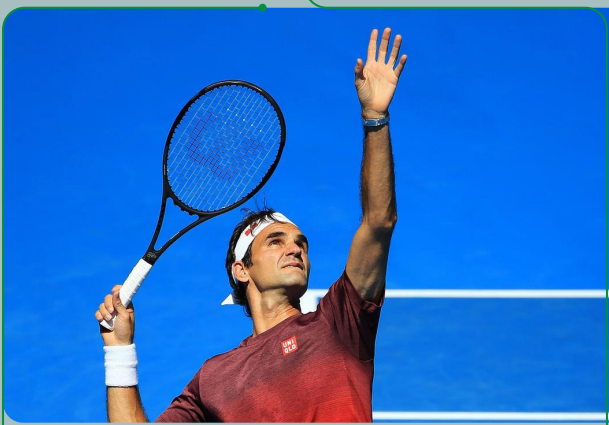
کمالِ مطلق

ملینا اخگر

📷 melinaakhgar

در ۱۵۲۶ مسابقه‌ی انفرادی که در دوران حرفه‌ای ام انجام دادم، تقریباً ۸۰ درصد از آن‌ها را بردم. اما چند درصد امتیاز کسب کردم؟ ۵۴ درصد.





حتی تنیسورهای رتبه‌ی اول هم به سختی بیش از نیمی از امتیازی را که بازی می‌کنند، به دست می‌آورند.

وقتی به طور میانگین امتیاز دوم را از دست می‌دهید، یاد می‌گیرید که روی هر ضربه‌ای تمرکز نکنید. یاد می‌گیرید که فکر کنید: «باشه، من دوبار اشتباه کردم... این فقط یک امتیازه.»

حالا چرا این رو می‌گم بهتون؟


وقتی در حال جنگیدن بر سر یک امتیاز هستید، اون باید مهمترین چیز در جهان باشد و هست. اما وقتی تموم شد دیگه تمومه!

این طرز تفکر بسیار مهم است، چون شما را چنان آزاد می‌کند تا به طور کامل به امتیاز بعدی با جدیت و تمرکز پردازید.



وابی سابی

فرناز گسلی

 farnazgosili



در زیبایی‌شناسی سنتی ژاپن، واپی‌سابی یک جهان‌بینی است. امروزه در ژاپن واپی‌سابی به معنای «خرد در سادگی طبیعی» است. زیبایی در ذات اشیا است. همه‌چیز ناپایدار، ناقص و ناکامل است. در سادگی، بی‌نهایت زیبایی، ارزش و آرامش نهفته است.

در طراحی داخلی به شکل
فضاهای نامتقارن و کم‌نور
تجلی می‌یابد، اصل اساسی
آن، تأکید بر اصالت در
طبیعت است.



وایسای بر روی بافت‌های خام، رنگ‌های خاکی، مواد طبیعی و ارگانیک تمرکز می‌کند. پالت رنگی فضا الهام گرفته از طبیعت مثل رنگ‌های ساحل، کوه و سبزه‌زار بر روی آبی ملایم، قهوه‌ای، سبز و سایه‌های مایل به خاکستری متمرکز است تا فضایی پر از آرامش را ایجاد کند.





با واپسای می‌آموزیم لک‌های طبیعی،
 زنگ‌زدگی، ترک‌ها و فرسودگی‌های طبیعی
 ناشی از عوامل طبیعی را به عنوان نوعی تغییر
 بپذیریم همان‌طور که خودمان هم در گذر زمان
 تغییر می‌کنیم.

لاستیک در فرمول یک

علیرضا انوشفر

 alirezaanooshfar

لاستیک ماشین‌های فرمول یک، یکی از مهم‌ترین عوامل در عملکرد خودروها هستند. هر نوع لاستیک برای شرایط متفاوتی از جمله دما، سطح پیست و استراتژی تیمی طراحی شده است و رنگ نوشته‌های روی آن‌ها متفاوت است، به طوری که نوع آن برای همگان قابل تشخیص باشد.





این لاستیک‌ها توسط شرکت
Pirelli تولید می‌شوند و این
فصل در گروه‌های اصلی نرم با
رنگ قرمز، متوسط با رنگ زرد
و سخت با رنگ سفید عرضه
می‌شوند.



لاستیک‌های نرم چسبندگی بالایی دارند اما سریع‌تر فرسوده می‌شوند، در حالی که لاستیک‌های سخت دوام بیشتری دارند اما چسبندگی کمتری ارائه می‌دهند. همچنین، لاستیک‌های بارانی به رنگ آبی و نیمه‌بارانی به رنگ سبز، برای شرایط مرطوب استفاده می‌شوند. مدیریت درست لاستیک‌ها می‌تواند تفاوت بزرگی در نتیجه‌ی مسابقه ایجاد کند.

آبجوی مجیدیه

انوشه صادقی آزاد

anooshehsa

در دهه‌ی ۷۰ میلادی، بین خلیج فارس و دریای کاسپین در گودین‌تپه، واقع در شهر تاریخی کنگاور، باستان‌شناس امریکایی پاتریک مک‌گاورن، در برخی از کوزه‌های سفالی آن منطقه شواهدی از آبجو پیدا کرد.



مک‌گاورن چندین سال بعد ثابت کرد که این آبجوی باستانی مربوط به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد است و ایرانیان از ۵۵۰۰ سال پیش از میلاد در حال ساخت آبجو بوده‌اند. از آن زمان تا اوایل دوران مشروطه که عبدالمجید عین‌الدوله در باغ خود در منطقه مجیدیه، اقدام به احداث اولین کارخانه تولید آبجو کرد حدود ۷۰۰۰ سال می‌گذرد. عبدالمجید نام این آبجو را «مجدیه» گذاشت.





روی شیشه‌های آجوی مجیدیه تاریخ تاسیس را ۱۳۱۲ نوشته‌اند. آجوی مجیدیه روزانه حدود ۳۰۰ هزار بطری آجوی تولید می‌کرد. آجوی شمس، آرگو، اسکول و استار از دیگر برندهایی بودند که در کنار آجوی مجیدیه در ساخت آجوی در ایران فعالیت داشتند. مطابق آمار در سال ۱۳۵۴ روزانه ۵۴۰ هزار بطری آجوی توسط این ۵ برند تولید می‌شد.

آتش سوزی در کارخانه آبجوسازی مجیدیه

شمال غربی کارخانه و نزدیک دیوار مشرف به خیابان مجیدیه قرار داشت ، طعمه حریق شده بود . مأمورین آتش نشانی ایستگاه ۱۷ با استفاده از دستگاه لوله ابده آتشی را که میرفت توسعه یابد خاموش کردند . در این آتش سوزی مقداری جعبه و تعداد زیادی شیشه خالی از بین رفت . علت آتش سوزی معلوم نیست ولی بگفته آقایان و اربابان دربان و سرایدار آبجو سازی عده ای به عمد اقدام به آتش زدن آنجا نمودند . رسیدگی به این حادثه از طرف مأمورین ادامه دارد .

کمی بعد از نیمه شب گذشته قسمتی از صحن حیاط کارخانه آبجو سازی مجیدیه که مقدار زیادی جعبه های شیشه خالی در آن چیده شده بود طعمه حریق شد و مقداری از آنها در آتش سوخت .

۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب گذشته مأمورین پاسگاه کلاتری مجیدیه متوجه دودی شدند که از داخل حیاط کارخانه آبجوسازی مجیدیه به آسمان میرفت با مشاهده این دود ، مأمورین آتش نشانی نیز باخبر شده و به محل آبجوسازی رفتند . مقداری از جعبه های پلاستیکی مخصوص حمل شیشه آبجو که در قسمت


پس از انقلاب کارخانهی مجیدیه تخریب و به جای آن پارکی به نام پارک مجیدیه احداث شد، که در میان اهالی محله به «باغ شازده» معروف است.

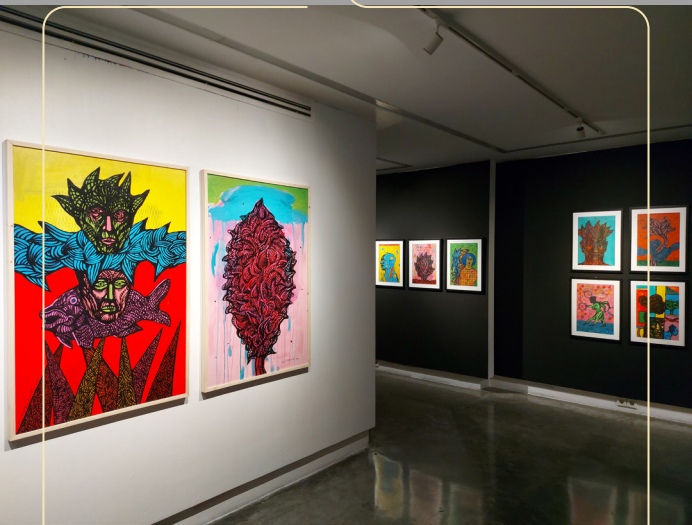


بال‌های ابکاروس

گداختگی حقیقت در آثار امیر سقراطی

نیکو آزمونجو

 amir_soghрати

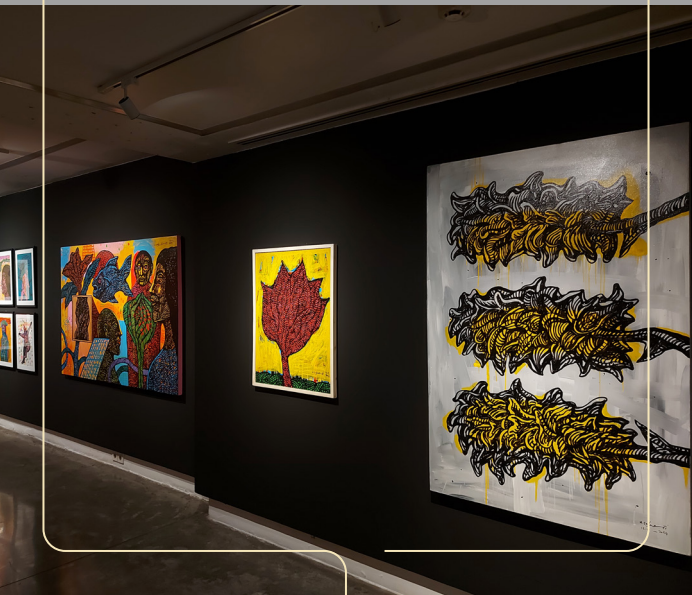


دیوارهای گالری ثالث از ۱۳ تا ۲۴ مهرماه میزبان نقاشی‌های امیر سقراطی، نقاش، نویسنده و پژوهشگر هنر، بود.

«بال‌های ایکاروس» عنوانی است که سقراطی برای هشتمین نمایشگاه نقاشی‌اش برگزید و در استیت‌منت نمایشگاه از آن رمزگشایی کرد: «... در نقاشی همواره به دنبال کشف حقیقت هستم. حقیقت همچون خورشیدی است که مجذوبم می‌کند. نقاشی، بال‌های من است و با آن به سمت نور آگاهی پرواز می‌کنم، اما در نیمه‌ی راه همچون ایکاروس، بال‌هایم از گرمای خورشید حقیقت می‌سوزد و ذوب می‌شود...»

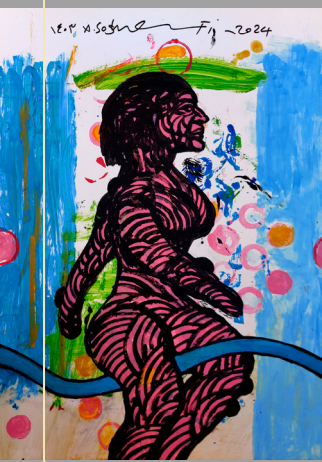


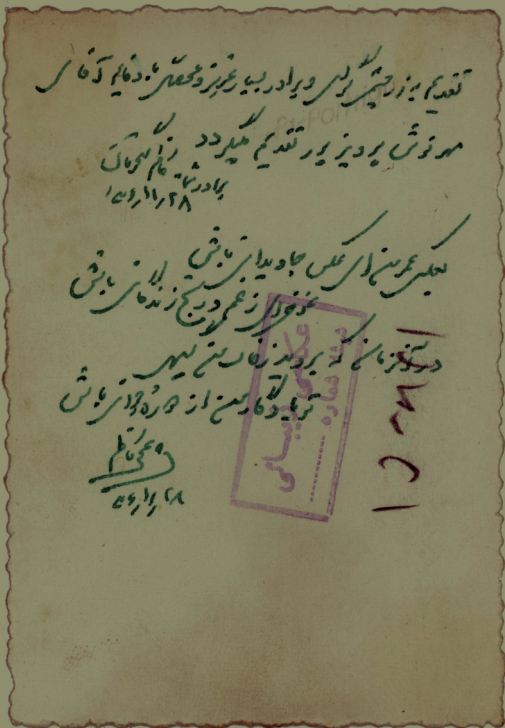
عمده‌ی آثار «بال‌های ایکاروس» متأثر از فرم بصری نقوش کهن چاپ‌سنگی، البته در قامتی امروزمین هستند. در نقاشی‌های سقراطی همچنان‌که با نمایش توامانِ فیگوراتیو و انتزاع روبه‌رو هستیم، در ایده نیز به نمایش دوگانگی شادی و ملال، ظرافت و زمختی، رهایی و ترس، سکون و تعلیق برمی‌خوریم. نقاشی‌های او بیش از آن‌که درباره‌ی سیاست، تاریخ و اجتماع باشند، درباره‌ی زندگی هستند. گزارش‌هایی هستند از زندگی هنرمند به خودش؛ مجموعه‌ای از شادی، ملال، آزادی، ترس و اندوه.





امیرسقراطی تاکنون تعداد ۲۳ عنوان کتاب در زمینه‌های نقد هنری، تاریخ شفاهی و پژوهش هنر، تالیف کرده و ۱۶ اپیزود از مجموعه‌ی «تجسم یک قرن؛ صد سال هنرهای تجسمی ایران» را نوشته و کارگردانی کرده است. در کارنامه‌ی فعالیت‌های هنری او عضویت هیات مدیره‌ی انجمن هنرمندان نقاش ایران، دبیری همایش پژوهشی هفتمین سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی تهران، عضویت شورای تجسمی خانه‌ی هنرمندان ایران، و عضویت گروه هنر «دانشنامه‌ی فرهنگ معاصر ایران»، وابسته به مرکز اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران به چشم می‌خورد.

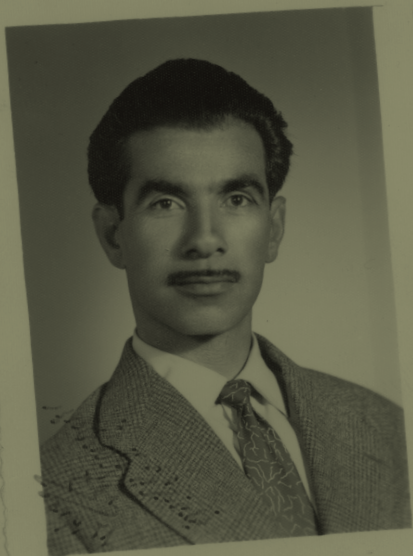




خوشتیپ مگ کوئین

مجتبا رفیعی کروگان

mojtabaa_rafiei



کت و شلوار و کراوات برای من فقط یک نوع لباس نیست. یک جور زندگی هم هست. این لباس‌ها را که می‌پوشم، پیراهن دیگر باید همیشه تمیز باشد، برق بزند؛ کت باید شق-و-رق و ایستد، خط اتوی شلوار باید خربزه را قاچ بکند؛ چهره‌ی آدم هم باید همین‌طور باشد: تمیز، اصلاح‌شده، سرحال! این‌طوری دوست دارم جلوی دوربین بنشینم. همان‌طور که شاعر می‌گوید: «به‌عکس عمر من ای عکس، جاودانی باش / تو یادگار من از دور زندگانی باش». من را این‌طور باید به یاد بیاورند!




شهردار
کینگزتاون

JEREMY RENNER

MAYOR
OF
KINGSTOWN

فرزاد فربد

 farzad.farbod

ژانر: جنایی

خالق: تیلور شریدان و هیو دیلن

بازیگران: جرمی رنر، دایان ویست، هیو دیلن و...

(۲۰۲۱-۱۰امه دارد)

۳ فصل _ ۳۰ قسمت





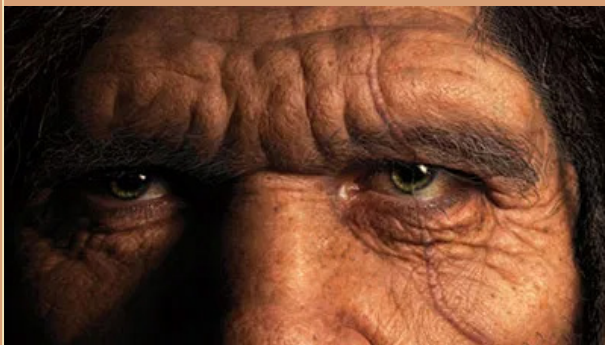
کینگزتاون در میشیگان شهری خیالی است که خانواده‌ی مک‌لاسکی برای چندین دهه، صلح و آرامش آن‌جا را از طریق هماهنگی بین گروه‌های جنایتکار خیابانی، زندان‌ها و پلیس حفظ کرده‌اند. اما حالا با اوج گرفتن موج فساد، جنایت و نژادپرستی، این تعادل به هم خورده و گروه‌های جنایتکار با هم و با پلیس درگیر شده‌اند.

اثر دیگری از خالق سریال موفق Yellowstone که از بسیاری جهات شباهت‌های انکارناپذیری هم با آن سریال دارد و به مفاهیم بنیادینی چون برادری، خانواده، زندگی در محیط متلاطم و پُرجرم و جنایت و تنهایی آدم‌ها می‌پردازد. برای کسانی که سریال‌هایی چون خانواده‌ی سوپرانو (The Sopranos) و آ‌ز (OZ) را دوست داشته‌اند توصیه می‌شود.

آواهای اولیه

کاوه صادقی آزاد

📷 kavehsadeghiazad



اولین ملودی‌ها و ریتم‌های انسان‌های نخستین ملهم از صداهای اطرافشان همچون صدای طبیعی حیوانات، صدای آب، یا حتی صدای کوبیدن ابزارهای سنگی‌شان بود. موسیقی تبدیل به راهی برای برقراری ارتباط، سرگرمی، جشن، و یا کار شد. موسیقی قبایل در حقیقت مکتوب نشده، بلکه از نسلی به نسل دیگر به صورت سینه به سینه منتقل شده است.

سایمون ثورن، آهنگساز اهل ولز، با همکاری تیمی متشکل از دانشمندان و مردم‌شناسان اقدام به بازسازی صداهای موسیقایی کردند، صداهایی که نئاندرتال‌ها (انسان‌های نخستین) به احتمال با استفاده از اصوات و ابزارهای سنگی‌شان ساخته بودند.

[ویدئو]



در فرانسه سوت‌هایی از جنس استخوان پای حیوانات، مثل استخوان پای گوزن شمالی، در حین حفاری محل زندگی انسان‌های نخستین کشف شده که مربوط به ۴۰۰۰۰ سال قبل از میلاد است.



کف‌زدن، جزایر سلیمان، همراه با آواز خواندن، حرکات دست، کف‌زدن ریتمیک، و حرکات رقص شامل بخش مهمی از موسیقی مردمان قبایل بوده است.



پنج روایت از شهر

رسول مجیدی

📷 [rasoul.majidi](https://www.instagram.com/rasoul.majidi)



تعمیرگاه

زمانی که بچه بودم افغان‌ها را فقط در ساختمان‌های در حال ساخت ملاقات می‌کردم. بیشتر وقت‌ها وقتی توپ‌مان در کارگاه‌شان می‌افتاد یا مثلاً ۴ تکه آجر برای مشخص کردن دروازه می‌خواستیم. این روزها ولی دیگر آنها فقط یک شاگرد بنای ساده نیستند. میوه‌فروشی محله ما در دربند را چند افغان می‌گردانند.



صاحبکار البته گُرد است، ولی اکثر اوقات در مغازه حضور ندارد. اخیراً حتی وقتی به تعمیرگاهی در میدان درکه هم رفتم کارم را یک پسر بچه‌ی افغان انجام داد که یک سال ونیم پیش از بدخشان به ایران مهاجرت کرده بود. شاید باورتان نشود، اما اواخر تابستان در ۵ کیلومتری اصفهان هم یک مهاجر افغان باد لاستیک‌هایم را تنظیم کرد!

آرایشگاه

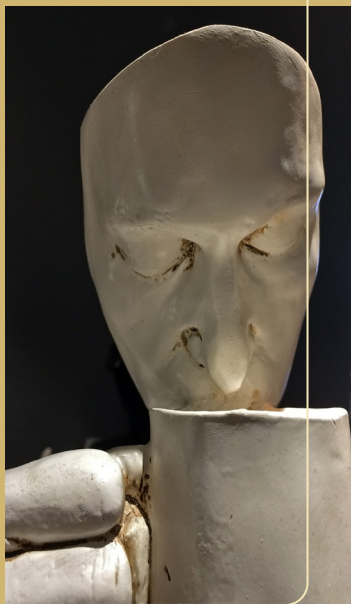
در اواسط مهرماه یک‌ماهی می‌شد که برنامه‌ای روی آنتن نداشتم و کمتر به آرایشگاه سر می‌زدم. آرایشگاه همیشه قصه‌هایی برای خود دارد. البته که هرگز قصه‌های آرایشگاه مردانه به پای آرایشگاه‌های زنانه



نمی‌رسد؛ ولی خُب آنقدرها هم بد نیست! به‌خصوص وقتی در ولنجک، صندلی بغلی را یک بنگاهی اشغال کرده باشد و ناگهان تلفنش زنگ بخورد. آدم چیزهای عجیبی می‌شنود: «۲۷۰ میلیارد برای ۹۰۰ متر؟ نه بابا این طرف که اینقدرها پول نداره». یک جوری می‌گفت این طرف اینقدرها پول نداره که انگار دارد در مورد ۲۷۰ میلیون تومان حرف می‌زند. خودم که آن لحظه ۲۷ میلیون تومن هم نداشتم! (نادر می‌گه من ۲۷۰ هزار تومن هم ندارم!)

کافه

سال‌هاست هر وقت آخر شب از میدان تجریش به سمت پارکوی می‌آیم با خودم می‌پرسم چرا هر دو شعبه‌ی لیز در این ساعت‌ها باز هستند و شلوغ؟ با اینکه خودم عادت دارم




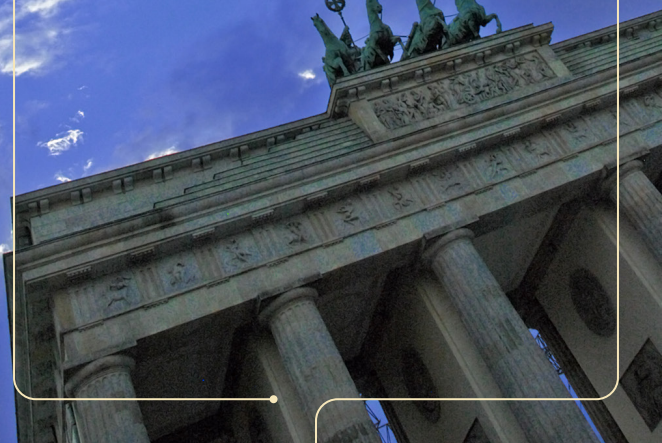


نمی‌دانم همه‌ی حضار بلیت خریده بودند یا خیلی‌ها اصطلاحاً به صورت ارگانی صاحب بلیت شده بودند. ولی سالن علی‌رغم بلیت‌های گران‌ش کیپ تا کیپ پُر بود و البته دیگر خبری از لیزرهای هشداردهنده و تذکرهای گاه و بیگاه هم نبود. چیزی که همیشه برایم در کنسرت‌های حاجیلی جالب توجه است، نوع پوشش اوست. با اینکه سبک موسیقی‌اش اکثراً پر انرژی و تکان‌دهنده (!) است، اما خودش عادت دارد که کت و شلواری رسمی و تنگ بپوشد. این بار حتی پاپیون هم زده بود. راستش را بخواهید به نظر حرف زدن هم با پاپیون سخت است تا چه برسد به آواز خواندن!

براندنبورگ

نازیلا لباف

 nazillabaf





دروازهی براندنبورگ که در قرن هجدهم به عنوان نماد صلح ساخته شد، معروفترین اثر تاریخی برلین است. در طول جنگ سرد، برلین به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شد و چون این دروازه در نزدیکی مرز برلین شرقی و غربی بود، تبدیل به جایی شد که در آنجا شهر گسسته شده بود. اما وقتی که دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ خراب شد، دروازهی براندنبورگ فوراً تبدیل به نماد برلینی شد که دوباره یکپارچه شده. براندنبورگ، تنها دروازه‌ای است که از دیوار قدیمی این شهر به جا مانده.

این دروازه همچنین در دوران آلمان نازی محل برگزاری رژه‌ی افتخار و رماخت و مراسم حزبی بوده؛ به طوری که پرچم‌های سواستیکا دور تا دور آن از دروازه آویزان بوده‌اند.

در سال ۱۹۹۶، تلاش برای متحد کردن ایالت‌های برلین و براندنبورگ در همه‌پرسی رد شد. هر دو منطقه تاریخ، گویش و فرهنگ مشترکی دارند و در سال ۲۰۲۰، بیش از ۲۲۵۰۰۰ نفر از ساکنان براندنبورگ به برلین رفت و آمد می‌کردند.





سرو سنایی

میلاد اخگر

 mitad.akhgar

در فرهنگ ایرانی سرو جایگاه ویژه‌ای دارد. این درخت مورد علاقه‌ی مردم مدیترانه، نزد ساکنین ایران هم سویه‌ای نمادپردازانه دارد؛ نماد، صبر و شکیبایی و به عبارت دیگر نوظذیری و تاب‌آوری در مقابل تغییرات است، که در برابر دگرگونی ادوار مختلف، راست‌قامت، ایستادگی می‌کند.

ایده‌ی این نوشته از مشاهده‌ی سروی استوار و بلند در خانه‌ای واقع در فرعی «نژادکی»، نزدیک خیابان سنایی به ذهنم رسید. این سرو در خانه‌ای با معماری چشم‌نواز «پهلوی دوم» جا



خوش کرده و مانند بسیاری از خانه‌های به‌جا مانده از آن دوره در مرکز تهران، هنوز تن به تیشه‌ی تراکم‌فروشی نداده است. برای قدم زدن و دیدن سروهای شکیبا و زیبا، کوچه‌های بین خیابان سنایی و میرزای شیرازی را پیشنهاد می‌کنم و یادی می‌کنم از سرو بی‌نظیر کاخ گلستان.



سایب نیوز

نانای داودی

📷 naderdavoodi



شهرام شب‌پره با کنایه و اشاره گفت که علیرضا امیرقاسمی سر او را در کنسرت‌های خداحافظی‌اش کلاه گذاشته. معلوم شد جناب امیرقاسمی تنها کسی است که از کنار خواننده‌هایی که به سن پدرش رسیده‌اند هم، بی‌رویا و آرزو نمی‌گذرد.

مکابیز درگیر بیماری سرطان شده و جزییات معالجه و مبارزه‌اش را در صفحه‌ی اینستاگرام شخصی‌اش گزارش کرده. برای او طلب خیر می‌کنیم در این سفر پر ماجرا.





سید حسین حسینی در بازی با السد قطر توپ را چنان وارد دروازه‌ی استقلال کرد که پرونده‌ی جواد نکونام در استقلال بسته شد. اما روزبه چشمی که مطمئن نبود این کافی باشد، اکرم عقیف را با تیربار گرینوف در هجده قدم استقلال زد و نکونام را سرنگون کرد. اما خال بالا مال محمود فکری بود که یکی از مریبان سابق استقلال را قونی خواند تا شاید برای مری‌گری استقلال نوبت را دوباره به او بدهند!

هر چقدر سن شهره صولتی بالاتر می‌رود، لباس‌های تنگ‌تری می‌پوشد. انگار که خواسته باشی شکم را به رخ نشیمنگاه بکشی. ستار هنوز نشسته بر صندلی آهنگ‌های خودش را نمی‌تواند از رو بخواند، با این وجود به مقاومت در برابر تور خداحافظی ادامه می‌دهد.

کنسرت ناصر زینعلی در سالن هتل پارسیان برگزار شد و با وجود اینکه پوشش بانوان اختیاری بود، اما انتظامات سالن اجازه‌ی حرکات موزون را به آقایان نمی‌داد. از مسئولین خواهان رسیدگی هستیم وگرنه برای حل مشکل دست به دامان خانم‌ها خواهیم شد.



مهرداد آسمانی خبر داد که ابراهیم حامدی پول دو تا از آهنگ‌هایش را پرداخت نکرده و او هم آهنگ‌ها را به خانم گوگوش انداخته است. حالا از بدحسابیِ اِبی جلوی علیرضا امیرقاسمی حرف بزنِی هم از آن کارهاست!

به نظر شما ابراهیم تاتلیس را می‌شود سِلبِ ایرانی فرض کرد یا هنوز تُرک به حساب می‌آید؟

رفوزه‌ی این ماه شهرام شب‌پره است که با نمره‌ی بیست از درس عاشقی افتاد! عبارت ماه: سلبریتی الزاماً هنرمند نیست، اما حتماً مشهور است.





سوسک

حریر غریب پور

📷 harirgharibpourofficial

مامان رهی و لیموآ بُق کرده و چشمان توکا
جون سرخ است!

هول می‌کنم: چی شده؟

مامان رهی نجوا می‌کند: سوسک تو
قهوه‌ی توکا بود!

چندشم می‌شود: اییییی! خوردیش توکا
جون؟

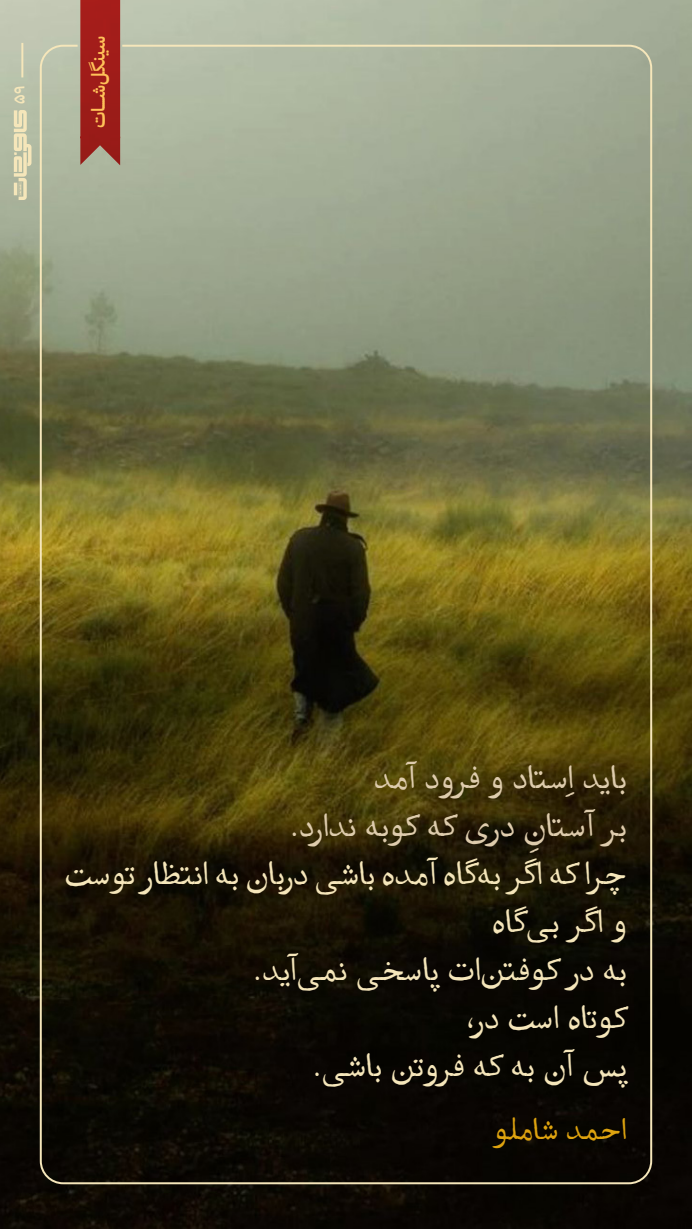
لیموآ تُرش می‌کند: تو فالش سوسک بود!
می‌خندم: آهااا!!!... مگه سوسک یعنی چی؟
بغض توکا جون می‌ترکد: مرگ! یعنی
می‌میرم!

بغلش می‌کنم: یه قهوه‌ی تازه واست
می‌آرم، فالت درخت زندگی باشه!

خیال دارم فنجان قهوه را خانمانه تعارفش
کنم که چهره‌ی کریه‌اش را می‌بینم؛ لبِ
فنجان نشسته و زُل زده است به من!

جیغ می‌کشم: سووووووووسسسک! و
سینی را به دورترین فاصله پرتاب می‌کنم!

لیموآ دمپایی به دست دور خانه می‌دود، من
با تاول‌های سوختگی نقش زمین هستم! و
توکا جون متفکرانه می‌گوید: فال من ردخور
نداره!



باید استاد و فرود آمد
بر آستانِ دری که کوبه ندارد.
چرا که اگر به گاه آمده باشی دربان به انتظار توست
و اگر بی گاه
به در کوفتنات پاسخی نمی آید.
کوتاه است در،
پس آن به که فروتن باشی.

احمد شاملو



کافی شات
به جز دو نشانی بالا، شعبه‌ی دیگری ندارد!